

بررسی علل گرایش دختران به تحصیلات عالی

منصوره اعظم آزاده*

دانشیار دانشگاه الزهراء(س)

سمیه فلاح مهرآبادی

کارشناس ارشد مطالعات زنان

چکیده

پژوهش حاضر با هدف درک انگیزه و علل این گرایش از جانب دختران اجرا شد. نظریات مبنای این بررسی نشان داد از آنجا که آگاهی، درک و احساس محدودیت و فروتری منزلتی، نیاز به اثبات موقعیت برتر منزلتی را تشدید می‌کند، دختران با درک موقعیت خود بر اساس تجربه زیسته، خواهان تحرک و تغییر در پایگاه اجتماعی از طریق کسب منابع برتر اجتماعی و از جمله ورود به مقاطع تحصیلی بالاتر بر می‌آیند. در این پژوهش با استفاده از روش پیمایش و پرسش از دانش‌آموزان دختر پیش‌دانشگاهی شهر شیراز در سال تحصیلی ۸۸-۸۹ و با بهره‌گیری از تکنیک‌های آماری به بررسی تجربی این فرضیه اقدام شد. نتایج حاصل از این بررسی حاکی از آن است که آگاهی و درک دختران از موقعیت فروتر، احساس محرومیت آن‌ها را افزایش می‌دهد. میل به خروج از محرومیت و محدودیت‌های ایجاد شده، طی فرآیند محاسباتی عقلانی، انگیزه رقابت برای کسب منابع برتر را در عرصه تحصیلات تقویت و تشدید می‌کند. ورود به مقاطع تحصیلی بالاتر، همچنین امکان دسترسی و ورود دختران را به عرصه‌های دیگر و کسب امتیاز مانند فعالیت اقتصادی و فرهنگی اجتماعی فراهم می‌آورد. در کنار همه این مواهب، دستیابی به فرصت و بخت‌های زندگی و تأیید دیگران هم از همین طریق میسر می‌شود.

واژگان کلیدی

گرایش به تحصیلات عالی؛ آگاهی جنسیتی؛ احساس محرومیت منزلتی؛ شانس و بخت‌های زندگی

*نویسنده مسئول

مقدمه و بیان مسئله

در حوزه مباحث توسعه اجتماعی و اقتصادی، درباره نقش آموزش منابع انسانی بسیار بحث شده است. از این منظر، خصوصاً آموزش عالی به عنوان متولی تربیت و تأمین نیروی انسانی متخصص، رسالت خطیری را برعهده داشته و دارد.

توجه به آموزش، خصوصاً آموزش عالی، در سال‌های اخیر، از طریق افزایش مراکز متعدد آموزش عالی و برابری فرصت‌های تحصیلی، حاکی از توجه اقشار مختلف اجتماعی به این موضوع است که به نوبه خود به تحولاتی در دانشگاه‌ها به لحاظ ترکیب جنسی دامن زده است. با نگاهی به آمارها ملاحظه می‌شود که دختران این مرز و بوم، از چند سال گذشته به طور گسترده‌ای درصد جالب توجهی از شرکت‌کنندگان و پذیرفته شدگان در آزمون‌های دوره‌های تحصیلات عالی را به خود اختصاص داده‌اند. اطلاعات آماری مرکز آمار ایران در رابطه با درصد پذیرفته شدگان دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی دولتی بیان‌کننده این مسئله است که از سال ۷۰ به بعد، درصد پذیرش دختران بیش تر بوده است. به طوری که نسبت پذیرش در مقطع کارشناسی در سال ۷۱-۷۰ در بین دختران ۲۹٪ و در بین پسران ۷۲٪ بوده است که این خود در سال تحصیلی ۸۶-۸۵ به استثنای دانشگاه پیام نور، به ۵۰٪ برای دختران و ۵۱٪ برای پسران رسیده است. این نسبت در سال‌های بعدی، دائماً به نفع دختران تغییر کرده است (مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، ۱۳۸۶-۱۳۸۵).

افزایش جالب توجه پذیرش دختران نسبت به پسران در دانشگاه‌ها، باعث شد بحث‌های سهمیه‌بندی جنسیتی در کنکور طرح شود و برای برخی نهادها، گروه‌ها و مسئولان نگرانی ایجاد کرده است مبنی بر اینکه تحصیلات زنان پیامدهای منفی از جمله تأخیر در سن ازدواج، افزایش نرخ طلاق و مشکل اشتغال را در پی خواهد داشت. از آنجا که هرگونه برنامه‌ریزی آموزشی بدون توجه به علل گرایش دختران به تحصیلات عالی و خواسته‌های آن‌ها از آموزش عالی اثرات منفی، همچون نارضایتی دختران و بی‌توجهی آن‌ها به سیاست‌ها را در پی خواهد داشت، این مقاله درصدد برآمده است که میزان تمایل و گرایش دختران دانش‌آموز به تحصیلات عالی و دلایل ایجادکننده آن را بررسی و در حد امکانات خود روشن کند که چه شرایط و عواملی سبب شده است که دختران در زندگی اجتماعی خود، بیش از هر موضوع



دیگری جذب تحصیلات عالی شده و به هر ترتیب، سعی کنند که راهی به سوی ورود به آن را جستجو کنند.

تحقیقات مرتبط با موضوع تحقیق، می‌توانند منابع باارزشی را در جهت هدایت مسئله و معرفی نظریه‌های مفسر مشاهدات تحقیق فراهم آورند (دواس، ۱۳۸۶: ۳۳). به همین دلیل، در زیر به چند نمونه از مطالعات انجام‌شده در داخل و خارج اشاره می‌شود که می‌توانند راهنمای این مقاله برای جوابگویی به مسئله مورد مطالعه باشند:

پارسا پژوه (۱۳۷۹) در «بررسی عوامل مؤثر بر تمایل دانش‌آموزان دختر و پسر سال آخر دبیرستان برای ورود به آموزش عالی در شهر تهران» که بر نمونه‌ای به حجم ۵۳۲ دانش‌آموز سال آخر دبیرستان، شاغل به تحصیل در ۴ رشته تجربی، ریاضی، انسانی و کاردانش در شهر تهران انجام شد. از جمله عوامل اصلی اثرگذار بر تمایل دانش‌آموزان باورها و علائق شخصی، اشتغال، منافع آتی، مدرسه، والدین و نگرش‌های شخصی، رشته تحصیلی، معدل، تحصیلات مادر بوده است. همچنین تفاوت معناداری میان دو گروه دختران و پسران از لحاظ تمایل برای ورود به آموزش عالی مشاهده نشده است.

وداد هیر (۱۳۸۰) در مقاله‌ای تحت عنوان «تأملی بر پدیده مدرک‌گرایی در جامعه» با توجه به نظریه کالینز، افزایش قبولی دختران در کنکور را از تبعات یک جامعه مدرک‌گرا می‌داند و راهیابی به دانشگاه برای زنان را ابزاری برای کسب منزلت و شأن اجتماعی و نیز دستیابی به موقعیت‌های جدید می‌داند. همچنین او گسترش مشارکت زنان در آموزش عالی را از تبعات توسعه جامعه و استحاله ارزش‌ها می‌داند.

حقیقی و اکبری (۱۳۸۴) در «بررسی مشارکت زنان در تقاضای اجتماعی برای آموزش عالی در ایران» با تکیه بر داده‌ها، اسناد و مدارک و آمار موجود در سازمان سنجش و مرکز آمار ایران، به توضیح این موضوع اقدام کردند. در تبیین این مسأله، افزایش مشارکت زنان در آموزش عالی را ناشی از فرآیند نوسازی و جهانی شدن، استحاله ارزش‌ها و جبر اجتماعی - هنجاری و به‌عنوان امری صوری و کمی بیان می‌کند.

مقاله قانع‌ی‌راد و خسروخاور (۱۳۸۵) تحت عنوان «نگاهی به عوامل فرهنگی افزایش ورود دختران به دانشگاه‌ها» نشان می‌دهد تمایل دختران به ادامه تحصیل علاوه بر انتظارات فردی، دارای معانی فرهنگی و اجتماعی بوده و با تکیه بر نظریه ویلن، انگیزه دختران را در تعلق آن‌ها

به خانواده پیشین و تمایل ایشان برای مشارکت نمادین در ساختن خانواده آینده بیان می‌کند. همچنین در این مقاله دلایل افزایش ورود دختران را از یک سو در کاهش نقش اقتصادی و سیاسی دانشگاه‌ها و از سوی دیگر در افزایش اهمیت فرهنگی و اجتماعی دانشگاه‌ها در رابطه با زندگی دختران ایرانی بیان می‌کند.

سورندرا و شورا و شوبها (۲۰۰۶) تحقیقی باعنوان «چگونگی کمک تحصیلات عالی به حقوق انسانی و کسب سرمایه در هند» انجام داده‌اند. این مقاله به نمونه تاریخی ارائه شده از نهاد آموزش عالی برای زنان اشاره می‌کند و آموزش را کلیدی برای توسعه و رشد معرفی می‌کند. تحصیلات زنان، فرصت‌های اقتصادی و اجتماعی را برای زنان و نهایتاً خانواده‌های آن‌ها بهبود می‌بخشد. همچنین بنابراین، مطالعه زنان تحصیل کرده، برای اخذ موقعیت ریاست اداری توانا می‌شوند و می‌توانند آموزگار خودشان باشند و همچنین توانایی به‌کارگیری مهارت‌های خود را درباره یک کار و برای کسب سرمایه پیدا می‌کنند. تحصیلات عالی زنان همچنین می‌تواند بر کارایی تحصیلات فرزندان آن‌ها مؤثر باشد.

بنابر نتایج پژوهش تایرر و احمد (۲۰۰۶) تحت عنوان «زنان مسلمان و تحصیلات عالی»، که به روش طولی در دو فاصله زمانی بین سپتامبر ۲۰۰۴ تا مارس ۲۰۰۶ انجام شده است، از جمله دلایل زنان برای ورود به دانشگاه علاقمندی شخصی، استقلال فردی، آرزوی اشتغال، ثبات مالی، کسب احترام بیشتر و انتخاب‌های بهتر درباره ازدواج است. همچنین زنان بحث می‌کنند که تحصیلات عالی بر تحرک اجتماعی و پایگاه آن‌ها برای خودشان و خانواده آن‌ها نقش دارند و مشوق بودن خانواده نیز به‌عنوان یک منبع کلیدی در مشارکت زنان در تحصیلات عالی است.

پژوهش مارک فرنیت و کلارکا زیمن در سال ۲۰۰۷، تحت عنوان «چرا اکثر دانشجویان دانشگاه، زنان هستند؟» با استفاده از داده‌های جدید در کانادا، به افزایش روند تعداد دختران نسبت به پسران در دانشگاه‌ها اشاره می‌کند. ارزشمند شدن دستیابی به دانشگاه، بیش‌تر بودن فواید دانشگاه برای دختران از پسران از جمله عوامل گرایش دختران به تحصیل محسوب شده است. همچنین، دست یافتن زنان به دانشگاه می‌تواند به کاهش خامی‌ها و بی‌تجربگی‌های آن‌ها

-
1. Surendra & Shorav & Shobha
 2. Tyrer & Ahmad



کمک کند و فواید اقتصادی از درجات دانشگاهی برای دختران به نسبت پسران قوی‌تر بوده است که این امر شاید به جهت انگیزه استقلال اقتصادی زنان باشد (مارک فرنیت و کلارکا زیمن، ۲۰۰۷).

با توجه به مطالعات و تحقیقات انجام شده، می‌توان ادعا کرد که افزایش مشارکت زنان در آموزش عالی در جوامع مختلف، گرچه ابعادی منحصر به فرد دارد، اما پدیده‌ای جهانی است که به رغم تنوع در عوامل ایجادکننده آن، مکان‌یابی اجتماعی در آن نقش عمده‌ای را بر عهده دارد. این مقاله در نظر دارد که در کنار توجه به مستندات تحقیقات پیشین، به چالش نظری تئوری‌های تبیین‌کننده مسئله مورد مطالعه اقدام کند تا از طریق برقراری ارتباط بین آن‌ها، به مدلی جامع‌تر برای پاسخگویی به مسئله مورد مطالعه دست یابد. تئوری‌های منزلت‌پایگاهی، مصرف‌تظاهری فرهنگی، سرمایه فرهنگی و انتخاب عقلانی از جمله نظریاتی هستند که به نظر می‌رسد برای تحلیل این مسئله می‌توان به آن‌ها استناد کرد.

نظریه منزلت پایگاهی وبر

منزلت پایگاهی از جمله مفاهیمی است که نظریه وبر را از دیگران متمایز کرده است. در نظر وبر، منزلت پایگاهی در سبک زندگی همه کسانی بروز می‌کند که علاقه به عضویت در حلقه منزلتی خاصی را دارند (وبر، ۱۹۹۶: ۲۰). گروه‌های منزلتی معمولاً اجتماعاتی هستند که با سبک‌های شایسته زندگی و احترام و فخر اجتماعی‌ای که دیگران برای آن‌ها قائل هستند، به یکدیگر وابستگی پیدا می‌کنند. افزون بر این، گروه منزلتی درباره نشست و برخاست‌های اعضایش با کسانی که وابسته به این گروه نیستند، محدودیت‌هایی قائل است و از اعضای خود انتظار دارد که نسبت به آن‌هایی که از نظر اجتماعی منزلتی پایین‌تر دارند، فاصله گیرند و به عبارتی بین اعضاء گروه خود و افراد خارج از گروه حصار و فاصله‌ای را ایجاد کرده و آن‌ها را از گروه منزلتی خود طرد کنند (کوزر، ۱۳۸۳: ۳۱۴).

حصار، شکلی از سلطه است و هدف آن ایجاد محدودیت در دسترسی به فرصت‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی برای افراد خارج از گروه است. حصار اجتماعی مفهومی است که وبر برای نشان دادن کوشش افراد و گروه‌ها برای افزایش امتیازات خود از شرایط موجود یا انحصاری کردن منابع با ارزش برای خود و محدودیت دسترسی برای افراد دیگر

به کار می‌برد. حصار، در هر سه بعد قشربندی ایجاد می‌شود و منابعی که برای آن‌ها رقابت می‌شود می‌تواند منابع فرهنگی، منزلتی، مقررات سبک زندگی، پذیرش در دایره‌های اجتماعی حقوقی، قانونی، سیاسی یا شهروندی باشد (بوترو^۱، ۲۰۰۵: ۴۱۴۲).

از نظر وبر ظهور منزلت، اساساً مسئله‌ای قشربندی است که با غضب بستگی دارد. چنین غضبی منشأ عادی همهٔ افتخارات منزلتی است. افراد و گروه‌های طردشده سعی می‌کنند که امکانات خود را در جامعه حفظ کنند یا بهبود بخشند. عموماً این عکس‌العمل انتخابی با عنوان غضب، با تقلید و تعلق به سبک زندگی گروه‌های مسلط انجام می‌شود (کوزر و روزنبرگ، ۱۳۸۵: ۳۳۷).

بنابراین، احساس محرومیت گروهی، که در پی درک و آگاهی از موقعیت خود در جامعه حاصل می‌شود، می‌تواند گروه‌ها را به مطالبهٔ مشروع ارتقاء پایگاه اجتماعی برانگیزاند. این مسئله دربارهٔ گروه‌های اجتماعی محروم مانند زنان مصداق بیش‌تری دارد. یکی از منابع کسب منزلت و ارتقاء پایگاه اجتماعی برای زنان، توانایی ورود به تحصیلات عالی است. زنان با تصور حصر فرصت‌ها^۲، از کانال ورود به تحصیلات عالی، نفوذ در این حصارها را پیگیری می‌کنند.

نظریهٔ مصرف تظاهری فرهنگی و بلن

از نظریهٔ بلن کسب حرمت نفس باعث رفتارهای رقابت‌آمیز انسان‌ها می‌شود. این رفتارها نه تنها شامل آنچه شخص دارد می‌شود، بلکه شامل چگونگی نمایش آن نیز می‌شود (وبلن، ۱۳۸۶: ۱۰۹).

گروه‌های اجتماعی باید بتوانند به کمک نمایش کالاهای مصرفی تظاهری، صاحب منزلت شوند. نمایش تظاهری و نمادهای بلند پایگی وسایلی هستند که انسان‌ها با آن‌ها می‌کوشند تا در چشم همسایگان‌شان برتر جلوه کنند. انگیزهٔ بلند پایگی در میان آن دسته از اعضای اجتماع که احترام و توانمندی کم‌تری دارند می‌تواند محرکی برای تلاش آن‌ها در مصرف تظاهری برای به‌دست آوردن پایگاه بالاتر باشد (وبلن، ۱۳۸۶: ۷۶).

از نظر وبلن تظاهر و بالابردن منزلت می‌تواند منزلت اشخاص وابسته به خود از جمله

-
1. Bottero
 2. Closur of opportunities



خانواده و سروران را نیز در برگیرد و وسیله‌ای شود که موقعیت اجتماعی خانواده و افراد نزدیک به خود نیز به نمایش گذاشته شوند (همان: ۱۱۵).

از نظر وبلن منزلت پایگاهی، در گرو تطبیق با سبک زندگی طبقات بالاتر و با به‌کارگیری و تظاهر کالاهای مصرفی اعم از فرهنگی و مادی ایجاد می‌شود. سرمایه فرهنگی با کسب فرهنگ برتر و سرمایه مادی با دارایی‌های مادی، درآمد و نمادهای آن مطرح می‌شود. سرمایه فرهنگی که در مراحل نخستین در خدمت طبقات تن‌آسا بوده، امروزه در طی تحولاتی در اختیار گروه‌های پایین‌تر قرار گرفته است. زنان از جمله گروه‌های محروم هستند که به‌طور تاریخی زندگی مصرفی نیابتی داشتند، اما به‌دنبال تحولات اجتماعی، زنان به‌دنبال کسب استقلال و مخالفت با حوزه مصرف نیابتی بوده و از این طریق، پایگاه و امتیازات بالاتر را طلب می‌کنند.

تبیین وبلن درباره مسئله تمایلات زنان به آموزش عالی در خصوص جامعه غربی مطرح است. اما در جامعه فعلی ایران، به‌نظر می‌رسد که زنان به‌منظور کسب پایگاهی برتر، علاوه بر مصرف تظاهرآمیز کالاهای فرهنگی، انگیزه‌های رقابت‌آمیز دیگری را نیز دنبال می‌کنند. آن‌ها همچنین به‌دلیل اهمیتی که برای خانواده قائل هستند، بنابر شیوه گذشته، به نیابت از خانواده به نمایش تظاهرآمیز تحصیلات نیز اقدام می‌کنند.

نظریه کسب سرمایه فرهنگی بوردیو

در نظر بوردیو، آنچه سبب طبقه‌بندی گروه‌های اجتماعی در فضای اجتماعی^۱ یا به‌عبارتی بازار رقابتی سرمایه‌ها می‌شود، میزان تملک سرمایه در اختیار افراد است. افراد جامعه در زمینه‌های اجتماعی مختلف با سرمایه‌های خود برای کسب منزلت پایگاهی رقابت می‌کنند (بوردیو، ۱۳۸۱: ۳۴). در میان انواع سرمایه‌ها، سرمایه فرهنگی به‌عنوان پابرجاترین و ثابت‌ترین سرمایه، نقش بسیار مهمی در اندیشه بوردیو ایفا می‌کند. سرمایه فرهنگی، از جمله مدارج و مدارک تحصیلی، به دارندگان خود اطمینان تشخیص و ارزش اجتماعی می‌بخشد (بوردیو^۲، ۲۴۸۹: ۱۹۸۶).

بوردیو نشان می‌دهد که خصوصاً گروه‌های فرودست جامعه، مصرف فرهنگی را ابزاری برای کسب موقعیت اجتماعی خود در میدان مبارزه فضای اجتماعی قرار می‌دهند. از سوی

-
1. Social space
 2. Bourdieu

دیگر، از آنجا که سرمایه و سبک زندگی فرهنگی، قابلیت تبدیل به سرمایه‌های دیگر از جمله سرمایه اقتصادی و اجتماعی را دارد، امکان ارتقاء فرصت‌های دیگر زندگی را نیز فراهم می‌آورد. در نتیجه برای افراد محروم از فرصت‌های زندگی از جمله زنان، کسب و انباشت سرمایه فرهنگی از طریق تحصیلات عالی، مجرای برای کسب موقعیت برتر و با منزلت اجتماعی محسوب شده و این گروه را برای دستیابی به آن ترغیب می‌کند.

نظریات انتخاب عقلانی

لیتل در نظریه تصمیم‌گیری خود معتقد است: «پدیده‌های اجتماعی حاصل افعال آدمیان است و آدمیان هم فاعلانی هستند که ارزش، اعتقاد، هدف، معنی، امر و نهی و احتیاط و تردید بر افعالشان حکومت می‌کند. به عبارت دیگر، آدمیان مخلوقات عالم و قاصدند که فعلشان مسبوق به دلیل و سنجش عاقلانه است.» بنا بر نظریه تصمیم‌گیری عاقلانه، پاره‌ای از افراد سودمندی را در سود خویش و در سود دیگران و در کالای همگانی می‌بینند و بعضی دیگر در سود بردن خویش (لیتل، ۱۳۷۳: ۶۶ و ۶۳). یکی از مبانی مهم برای انتخاب، قاعده فایده‌مورد انتظار^۱ است. در این رویکرد، شخص فاعل مقدار سنجیده‌ای را به هر یک از شقوق انتخاب، نسبت داده و پیامدی را اختیار می‌کند که بیش‌ترین فایده متوقع را دارا باشد. قاعده دیگر، قاعده بیشینی^۲ انتخاب است و اینجا، شخص فاعل، جمیع شقوق را بررسی می‌کند و بدترین پیامد هر یک از شقوق را معین کرده، شقی را بر می‌گزیند که در میان بدترین‌ها، بهترین باشد (همان: ۷۸-۷۹).

یکی از پیش‌فرض‌های اساسی برای محاسبه پاداش نسبت به هزینه، عقلانی بودن است. از این منظر، عقلانی بودن یعنی قدرت محاسبه هزینه انتخاب نسبت به منافع آن. بدین ترتیب افراد انسانی، کنشگرانی عقلانی هستند و به وسیله منافع شخصی، یعنی چیزها و روابطی برانگیخته می‌شوند که برای آن‌ها سودمند است (وایت^۳، ۱۹۹۶: ۶۳-۶۴).

با توجه به نظریه گرایش فیش باین و آیزن، رفتارهای ارادی نتیجه مستقیم تلاش‌های عمدی است که از سوی افراد انجام می‌شود. از آنجا که افراد به شیوه‌ای معقول رفتار می‌کنند،

1. Expected utility
2. Maximin
3. Whithe



درک رفتار انسان، تابع شناسایی نیت آن‌هاست. به‌وجود آمدن نیت تابع دو عامل است:

۱- عامل فردی؛ عبارت است از ارزیابی خوب و بد نسبت به یک رفتار که ماهیتی شخصی دارد.

۲- عامل اجتماعی؛ آگاهی فرد از فشارها و هنجارهای اجتماعی مربوط به انجام‌دادن یا انجام‌ندادن رفتار که به طرد، توبیخ یا تأیید اجتماعی منجر می‌شود (آیزن، ۱۹۸۸: ۱۲۰).

همچنین به عقیده هومنز، آنچه را که باید تبیین کرد، رابطه میان علت و معلول و این قضیه است که چرا یک واقعیت اجتماعی علت یک واقعیت دیگر اجتماعی می‌شود (ریترز، ۱۳۸۴: ۴۱۵). از نظر او قوی‌ترین پاداش، تأیید اجتماعی است. تأیید به‌عنوان یک ارضاکنده، یک انگیزاننده عمومی است. افراد از اینکه مطلوب واقع شوند لذت می‌برند. احترام آشکاری که یک تأیید کننده نشان می‌دهد، موجب می‌شود که خصوصیات تأیید شونده پاداش آفرین شود (اسکیدمور، ۱۳۷۵: ۸۶). تحصیلات یکی از منابع منزلتی مورد تأیید اجتماع است که دسترسی به آن برای زنان دارای پذیرش اجتماعی است. از آنجا که زنان می‌توانند از طریق غصب سرمایه فرهنگی در میدان رقابت‌های اجتماعی، ادعا و تظاهر انتساب به سبک زندگی پایگاهی را تأمین کرده، و موقعیت اجتماعی خود و خانواده خود را ارتقاء بخشند، ورود به دانشگاه برای تحصیلات عالی، به یکی از مهم‌ترین گرایش‌ها و اهداف آن‌ها در زندگی تبدیل شده است.

بدین ترتیب، احساس محرومیت منزلتی و برای رفع آن، ارزیابی فایده کسب سرمایه‌های فرهنگی و اقتصادی و بخت‌های زندگی مانند ازدواج مناسب و انگیزه مصرف تظاهری این سرمایه‌ها به‌منظور تأیید دیگران مهم از موقعیت اجتماعی، از جمله متغیرهایی هستند که از طریق محاسبات عقلانی زنان، گرایش به تحصیلات عالی را در زنان ایجاد کرده و افزایش می‌دهد. در این صورت فرضیه اصلی این پژوهش عبارت است از:

محرومیت منزلتی و درخواست برای ارتقاء آن در دختران جوان، گرایش آن‌ها را به تحصیل عالی افزایش می‌دهد. سازوکار عالی این رابطه از طریق محاسبات عقلانی ارزیابی فایده سرمایه‌های مختلف و انگیزه تأیید از جانب دیگران مهم برقرار می‌شود.

روش پژوهش

این پژوهش بر پایه رویکرد کمی در تحقیقات اجتماعی انجام شد و بنابراین، از روش پیمایش^۱ استفاده شد (بیکر، ۱۳۷۷:ص ۱۹۶). ابزارهای مختلفی برای گردآوری داده‌ها در پیمایش وجود دارد. یکی از پرکاربردترین آن‌ها، تکنیک پرسشنامه است که در این تحقیق به کار گرفته شد. جامعه آماری این پژوهش، دانش‌آموزان دختر پیش‌دانشگاهی شهر شیراز هستند. بنا بر آمار آموزش و پرورش شهر شیراز در سال ۸۸-۸۹، تعداد دانش‌آموزان دختر مشغول به تحصیل در مقطع پیش‌دانشگاهی ۷۰۱۳ نفر بوده است. حجم جمعیت نمونه، براساس فرمول کوکران، ۳۶۴ نفر مشخص شد. البته با احتمال فقدان پاسخگویی به برخی سؤالات و باطل شدن پرسشنامه‌ها، تعداد ۳۷۰ پرسشنامه توزیع شد که با حذف ۵ پرسشنامه، داده‌های ۳۶۵ پرسشنامه دیگر تحلیل و ارزیابی شد. در این پژوهش از روش نمونه‌گیری تصادفی چندمرحله‌ای طبقه‌ای استفاده شد. ابتدا مناطق آموزش و پرورش شیراز به ۴ منطقه تقسیم‌بندی شد. آنگاه هر منطقه به مدارس تقسیم و به تناسب جمعیت هر منطقه، ۶ مدرسه از آن به صورت تصادفی انتخاب شد. در مرحله بعد، دانش‌آموزان با توجه به صفت درون‌گرومی خود یعنی رشته‌های تحصیلی (علوم انسانی، علوم تجربی، علوم ریاضی و هنر) طبقه‌بندی شدند تا نمونه ما شامل نسبت مناسبی از هر رشته باشد. در نهایت در مدارس منتخب با استفاده از لیست حضور و غیاب، جمعیت نمونه به‌طور تصادفی انتخاب شد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

-
1. Survey
 2. Cochran



جدول ۱: شناسایی و تعریف عملیاتی متغیرها:

تعریف عملیاتی متغیر	متغیر	نوع متغیر
تمایلات و اعتقادات افراد نسبت به ادامه تحصیل در دانشگاه است که با قصد و کنش‌هایی سنجیده می‌شود که نشان‌دهنده میزان گرایش فرد به تحصیلات عالی است.	گرایش به تحصیلات عالی	وابسته
درک و ارزیابی فرد از موقعیت‌های متفاوتی که جامعه در قالب‌های زنانه و مردانه تعریف کرده است.	آگاهی جنسیتی	مستقل (اصلی)
به احساس کمبود احترام یا اعتبار اجتماعی افراد در زمینه‌های مادی و غیرمادی در مقایسه با گروه‌های اجتماعی و عدم رضایت از وضع موجود و تمایل رسیدن به وضعیت درخور اطلاق می‌شود. در اینجا منزلت پایگاهی دختران در مقایسه با پسران سنجیده شده است.	احساس محرومیت منزلتی	
تمایل به دستیابی مدارج تحصیلی و فرهنگی، عضویت در کتابخانه، افزایش میزان مطالعه و آگاهی اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، شرکت در برنامه‌های هنری و علمی و رابطه با افراد فرهیخته از طریق تحصیلات دانشگاهی است.	کسب سرمایه فرهنگی	انتظار و ارزیابی فایده مستقل (واسط)
مقصود دستیابی فرد به درآمد و شغل از طریق تحصیلات دانشگاهی است.	کسب استقلال اقتصادی	
دستیابی فرد به فرصت‌های گوناگون زندگی از جمله ازدواج و زندگی موفق، بهبود روابط اجتماعی، افزایش مشارکت اجتماعی، افزایش قدرت تصمیم‌گیری فرد، تربیت بهتر فرزندان مدنظر قرار گرفته است که از طریق تحصیلات دانشگاهی برای افراد حاصل می‌شود.	دستیابی به بخت‌های زندگی	انتظار و انگیزه پیروی از دیگران
اعتقاد دختران به مصرف و اهمیت دادن انواع کالاها و نمادهای فرهنگی که در جامعه مهم و ارزشمند است، از جمله تحصیلات و دانشجو بودن، حضور در محافل دانشجویی و کتابفروشی‌های معتبر و کتابخانه‌ها، خواندن کتاب‌های دانشگاهی و رمان‌های خارجی، به کاربردن اصطلاحات و واژگان علمی و انگلیسی در محاوره‌ها جهت تظاهر و اعتبار دادن به موقعیت اجتماعی خود و خانواده است.	مصرف تظاهری فرهنگی	
تأیید به عنوان دریافت پاداشی است که فرد از سوی دیگران مهم (مانند والدین، معلمان و دوستان) که تأثیر به‌سزایی در زندگی فرد دارند، مدنظر قرار گرفته است.	تأیید دیگران مهم	رشته تحصیلی
منظور زمینه‌ای است که پاسخگو در آن زمینه مشغول فراگیری آموزش رسمی است.		
منظور از پایگاه اقتصادی - اجتماعی دانش‌آموز، پایگاه اقتصادی - اجتماعی خانواده اوست. زیرعنوان پایگاه اقتصادی - اجتماعی، متغیرهایی از قبیل شغل والدین، تحصیلات آن‌ها و درآمد خانواده، منطقه مسکونی، نوع مسکن (استیجاری، ملکی و سازمانی و سایر) است.	پایگاه اقتصادی - اجتماعی	زمینه ای

یافته‌های پژوهش

-تحلیل توصیفی

- سال تولد:

از میان ۳۶۵ نفر دانش‌آموز فقط ۰/۳٪ آن‌ها متولد سال ۱۳۶۸ و ۱/۶٪ آن‌ها متولد سال ۱۳۶۹ بودند. اکثر دانش‌آموزان متولدین سال‌های ۷۰-۷۱ هستند که به نظر می‌رسد وقفه‌ای بین تحصیلات آن‌ها وجود نداشته است.

- رشته تحصیلی:

بیش‌ترین درصد یعنی ۳۷/۳٪ افراد در رشته تجربی و پس از آن دانش‌آموزان به ترتیب در رشته ریاضی ۳۱/۵٪، در رشته انسانی ۲۵/۲٪ و کم‌ترین آن‌ها در رشته هنر ۶٪ بودند. البته، این درصدها به تناسب تعداد افرادی که در هر ۴ رشته تحصیلی که در کل مناطق آموزش و پرورش توزیع شده‌اند، به دست آمده است.

- میزان تحصیلات والدین:

وضعیت تحصیلی والدین به این شرح بود: میزان بی‌سوادها (مادر: ۳/۰٪، پدر: ۳/۸٪)، ابتدایی - راهنمایی (مادر: ۴۳/۳٪، پدر: ۳۰/۷٪)، متوسطه - دیپلم (مادر: ۳۸/۸٪، پدر: ۴۱/۴٪)، فوق دیپلم - لیسانس (مادر: ۱۳/۲٪، پدر: ۱۸/۱٪)، فوق لیسانس - دکترا (مادر: ۱/۴٪، پدر: ۵/۵٪) و میزان بی‌پاسخ‌ها درباره وضعیت تحصیلی والدین (مادر: ۱/۴٪، پدر: ۵/۵٪) بودند.

- وضعیت اشتغال والدین:

مشاغل خدماتی و خانه‌دار (مادر: ۸۵/۸٪، پدر: ۲/۵٪)، کارگران ساده (مادر: ۵/۵٪، پدر: ۴۸/۵٪)، کارمندان عادی (مادر: ۳/۸٪، پدر: ۲۶/۵٪)، کارمندان اداری (مادر: ۷/۴٪، پدر: ۱۶/۴٪)، متخصصان و مدیران عالی رتبه (مادر: ۵٪، پدر: ۵/۲٪) قرار داشتند و میزان بی‌پاسخ درباره شغل والدین (مادر: ۲/۵٪ و پدر: ۱/۴٪) بود.

- نوع مسکن:

نوع مسکن خانواده پاسخگویان بیش‌ترین درصد یعنی ۷۵/۹٪ مسکن ملکی و پس از آن ۲۱/۹٪ افراد مسکن استیجاری داشتند و کم‌ترین میزان یعنی ۱/۹٪ مربوط به افرادی بود که در مسکن‌های سازمانی سکونت داشتند.



- منطقه مسکونی:

۲۴/۷٪ افراد در مناطق پایین، ۳۸/۱٪ افراد در مناطق متوسط پایین، ۱۵/۱٪ افراد در مناطق متوسط، ۶/۸٪ در مناطق متوسط بالا، ۷/۷٪ در مناطق بالای پایین، ۳/۶٪ در صد افراد در مناطق بالای بالا سکونت داشتند و ۴/۱٪ افراد در این زمینه پاسخ ندادند.

- وضعیت درآمد والدین:

۱۵/۹٪ درآمد زیر ۳۰۰ هزار تومان، ۴۲/۵٪ درآمد بین ۳۰۰ هزار تا ۶۰۰ هزار تومان، ۱۹/۷٪ درآمد بین ۶۰۰ تا ۹۰۰ هزار تومان، ۷/۷٪ درآمدی بین ۹۰۰ هزار تا یک میلیون و دویست هزار تومان و ۷/۱٪ افراد بیش از یک میلیون و دویست هزار تومان درآمد داشتند.

- پایگاه اقتصادی-اجتماعی:

۱۳/۴٪ پاسخگویان در پایگاه اقتصادی-اجتماعی خیلی پایین، ۴۳/۶٪ در پایگاه پایین، ۱۸/۱٪ پایگاه متوسط، ۷/۴٪ در پایگاه متوسط رو به بالا، ۲/۲٪ در پایگاه بالا قرار داشتند.

جدول ۲: نتایج توصیف آماری متغیرها

متغیر	میانگین	میانه	مد	حداقل	حداکثر	انحراف معیار	نوسان نمره‌ها
گرایش به تحصیلات عالی	۶۵/۶	۶۶	۶۶	۳۵	۷۹	۷/۶۸	بین ۱۶ تا ۸۰
آگاهی جنسیتی	۵۴/۴	۵۵	۵۴	۳۱	۷۳	۷/۹۳	بین ۱۵ تا ۷۵
احساس محرومیت منزلتی	۴۵/۸	۴۶	۴۹	۱۹	۶۰	۶/۴۵	بین ۱۲ تا ۶۰
کسب سرمایه فرهنگی	۴۴/۷	۴۵	۴۳	۲۲	۵۵	۵/۸۱	بین ۱۱ تا ۵۵
کسب استقلال اقتصادی	۲۱/۷۸	۲۲	۲۴	۹	۲۵	۲/۹۹	بین ۵ تا ۲۵
دستیابی به بخت‌های زندگی	۳۱/۶۹	۳۲	۳۵	۱۷	۳۵	۳/۳۲	بین ۷ تا ۳۵
مصرف تظاهری فرهنگی	۴۱/۵۸	۴۲	۴۱	۲۰	۶۰	۷/۶۱	بین ۱۲ تا ۶۰
تأیید دیگران مهم	۴۲/۳۷	۴۳	۴۳	۲۴	۵۰	۵/۶۹	بین ۱۰ تا ۵۰

بر طبق جدول ۲، میانگین گرایش به تحصیلات عالی در میان دانش‌آموزان ۶۵،۶٪ است که حاکی از گرایش نسبتاً بالای آن‌ها به تحصیلات عالی است. همچنین با توجه به نوسان نمره‌ها، از کم‌ترین تا بیش‌ترین امتیازی که افراد می‌توانستند از هر یک از متغیرها به‌دست آورند و

میزان میانه، مد، حداقل، حداکثر و میانگین داده‌ها، می‌توان به میزان وجود و اهمیت متغیرها در میان پاسخگویان پی برد.

- تحلیل استنباطی:

جدول ۳: بررسی رابطه بین متغیرها

متغیر	شاخص	متغیر	شاخص
احساس محرومیت	ضریب همبستگی	آگاهی جنسیتی	۱
منزلی	سطح معناداری	احساس محرومیت منزلی	۰/۴۵۷**
آگاهی جنسیتی	ضریب همبستگی	کسب سرمایه فرهنگی	۰/۴۰۷**
سطح معناداری	سطح معناداری	کسب سرمایه فرهنگی	۰/۴۰۷**
گرایش به تحصیلات	ضریب همبستگی	دستیابی به بخت‌های زندگی	۰/۱۰۴*
عالی	سطح معناداری	دستیابی به بخت‌های زندگی	۰/۱۰۴*
		کسب استقلال اقتصادی	۰/۱۳۹**
		کسب استقلال اقتصادی	۰/۱۳۹**
		مصرف نظاهری فرهنگی	۰/۴۷۰**
		مصرف نظاهری فرهنگی	۰/۴۷۰**
		تأیید دیگران مهم	۰/۴۶۰**
		تأیید دیگران مهم	۰/۴۶۰**

* معنادار در سطح ۰/۰۵ ** معنادار در سطح ۰/۰۱

همان‌طور که ملاحظه می‌کنید، در جدول ۳ رابطه بین متغیرها با توجه به نرمال یا غیرنرمال بودن آن‌ها در آزمون‌های همبستگی (پیرسون و اسپیرمن) آزمون شده و نتایج بررسی فرضیات تحقیق آورده شده است: فرض اول رابطه بین آگاهی جنسیتی و احساس محرومیت منزلی با توجه به سطح معناداری (۰/۰۰۰) مورد تأیید است. فرض دوم نیز رابطه بین آگاهی جنسیتی و احساس محرومیت منزلی با گرایش به تحصیلات عالی مورد تأیید است. در خصوص فرض سوم و چهارم که رابطه بین متغیرهای مستقل اصلی و واسط هستند می‌توان گفت بین آگاهی



جنسیتی دختران و احساس محرومیت منزلتی در آنها با انتظار و ارزیابی فایده از تحصیلات عالی (کسب سرمایه فرهنگی، کسب استقلال اقتصادی، دستیابی به بخت‌های زندگی) چنین نتایجی حاصل شده است که آگاهی جنسیتی تنها با کسب سرمایه فرهنگی رابطه معناداری داشتند و احساس محرومیت منزلتی با هر سه آنها، کسب سرمایه فرهنگی، کسب استقلال اقتصادی، دستیابی به بخت‌های زندگی رابطه معناداری داشته‌اند.

همچنین درخصوص رابطه بین آگاهی جنسیتی و احساس محرومیت منزلتی دختران با انتظار و انگیزه پیروی از دیگران (مصرف تظاهری فرهنگی، تأیید دیگران مهم) باید گفت که رابطه‌ای بین آگاهی جنسیتی افراد با انتظار و انگیزه پیروی از دیگران وجود نداشته است و فقط احساس محرومیت منزلتی و تأیید دیگران مهم باهم رابطه داشتند. نتایج جدول نشان‌دهنده این است که همه متغیرهای مستقل اصلی و واسط با گرایش به تحصیلات عالی به‌عنوان متغیر وابسته رابطه دارند.

جدول ۴: رابطه بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی و گرایش به تحصیلات عالی

متغیرها	شاخص	ضریب همبستگی	سطح معناداری (دو دامنه)	تعداد
پایگاه اقتصادی - اجتماعی و گرایش به تحصیلات عالی		۰/۰۰۲-	۰/۹۷۲	۳۰۹

با توجه به میزان سطح معناداری به دست آمده که از سطح ۰/۰۵ بزرگ‌تر هستند در نتیجه فرض صفر در سطح $\alpha = 0/05$ تأیید و فرض پژوهش رد می‌شود. بدین ترتیب پایگاه اقتصادی - اجتماعی افراد هیچ رابطه معناداری با گرایش به تحصیلات عالی ندارد.

جدول ۵: تحلیل واریانس گرایش به تحصیلات عالی برحسب رشته تحصیلی

رشته	شاخص	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	F مقدار	سطح معناداری
انسانی		۹۲	۳/۹۸	۰/۵۳۷		
تجربی		۱۳۶	۴/۱۵	۰/۴۸۴		
ریاضی		۱۱۵	۴/۱۴	۰/۴۱۶	۳/۰۱۸	۰/۰۳۰
هنر		۲۲	۴/۱۹	۰/۴۵۱		

جدول ۵ نشان دهنده میزان گرایش به تحصیلات عالی دختران در رشته‌های مختلف تحصیلی است. همچنان که دیده می‌شود دانش‌آموزان رشته هنر بیش‌ترین گرایش به تحصیلات عالی را داشتند و پس از آن به ترتیب رشته تجربی، ریاضی، انسانی قرار گرفتند. با توجه به این که سطح معناداری به دست آمده (۰/۰۳۰) از سطح خط‌پذیری ۰/۰۵ کوچک‌تر است، تفاوت معناداری بین میانگین گرایش به تحصیلات عالی در گروه‌های با رشته‌های مختلف وجود دارد.

جدول ۶: متغیرهای وارد شده در معادله رگرسیون برای تبیین واریانس گرایش به تحصیلات عالی

مرحله	متغیرهای پیش بین	ضریب همبستگی چندگانه (R)	ضریب تعیین (R ²)	ضریب تعیین تعدیل شده (R ² .Adj)	خطای استاندارد برآورد (S.E)	سطح معناداری
۱	تأیید دیگران مهم	۰/۵۸۱	۰/۳۳۸	۰/۳۳۶	۰/۳۹۱۱۹	۰/۰۰۰
۲	تأیید دیگران مهم / دستیابی به بخت‌های زندگی	۰/۶۲۵	۰/۳۹۰	۰/۳۸۷	۰/۳۷۵۹۴	۰/۰۰۰
۳	تأیید دیگران مهم / دستیابی به بخت‌های زندگی / کسب سرمایه فرهنگی	۰/۶۳۹	۰/۴۰۸	۰/۴۰۴	۰/۳۷۰۷۸	۰/۰۰۰
۴	تأیید دیگران مهم / دستیابی به بخت‌های زندگی / کسب سرمایه فرهنگی / کسب استقلال اقتصادی	۰/۶۴۵	۰/۴۱۶	۰/۴۱۰	۰/۳۶۸۷۸	۰/۰۰۰



جدول ۶ نتایج رگرسیون چند متغیره، برای تبیین واریانس گرایش به تحصیلات عالی دختران پیش‌دانشگاهی شهر شیراز را نشان می‌دهد. در تحلیل ارتباط بین متغیرهای مستقل و وابسته، روش گام به گام به کار رفت. همچنان که دیده می‌شود، چهار متغیر به معادله رگرسیونی وارد شده که از میان آن‌ها متغیر تأیید دیگران مهم، بیش‌ترین اثر را بر متغیر وابسته گرایش به تحصیلات عالی داشته است. این چهار متغیر، روی هم رفته نزدیک به ۴۲٪ از تغییرات متغیر وابسته گرایش به تحصیلات عالی را تبیین می‌کند. ۵۸٪ دیگر از تغییرات مربوط به عوامل تأثیرگذار است. همچنین دیگر متغیرها در رگرسیون وارد نشدند.

بحث و نتیجه‌گیری

بحث ورود زنان به آموزش عالی از جمله موضوعاتی است که امروزه از دیدگاه‌های مختلف درباره آن بحث و مطالعه شده است. این مقاله با هدف درک انگیزه و علل این گرایش از جانب دختران تدوین شده است. نظریات پشتیبان این بررسی، نشان داد که اعضای گروه‌های منزلتی با تدوین شیوه‌های خاص برای زندگی و از طریق مصارف فرهنگی و مادی و تعامل با گروه‌های خاص مشخص شده و از دیگران متمایز می‌شوند. مرزبندی این گروه‌ها با دیگران، افراد گروه‌های فروتر اجتماعی را به تصاحب، کسب و ورود به محدوده آن‌ها ترغیب می‌کند. موقعیت افراد به لحاظ شرایط اجتماعی و فرهنگی، می‌تواند آن‌ها را برای کسب موقعیت برتر، به فعالیت برای ورود به عرصه‌های کسب امتیاز برانگیزاند. از آنجا که تجربه، درک و احساس محدودیت و فروتری منزلتی، نیاز به اثبات موقعیت منزلتی را تشدید می‌کند، می‌توان این فرضیه را مطرح کرد که دختران بر اساس تجربه زیسته خود، خواهان تحرک و تغییر در پایگاه اجتماعی از طریق کسب منابع برتر اجتماعی و از جمله ورود به مقاطع تحصیلی بالاتر هستند. بررسی تجربی این فرضیه نشان داد که آگاهی و درک دختران از موقعیت فروتر، احساس محرومیت آن‌ها را افزایش می‌دهد. میل به خروج از محرومیت و محدودیت‌های ایجاد شده، طی فرآیند محاسباتی عقلانی، انگیزه رقابت برای کسب منابع برتر را در عرصه تحصیلات تقویت و تشدید می‌کند. ورود به مقاطع تحصیلی بالاتر، همچنین امکان دسترسی و ورود دختران را به عرصه‌های دیگر کسب امتیاز مانند فعالیت اقتصادی و اجتماعی را فراهم می‌آورد. در کنار همه این مواهب، دستیابی به فرصت و بخت‌های زندگی و

تأیید دیگران هم از همین طریق میسر می‌شود.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، دختران براساس منطق خود، فوایدی را برای ادامه تحصیل در مقاطع بالا، محاسبه می‌کنند. کسب استقلال اقتصادی (داشتن درآمد، شغل و آینده اقتصادی مطلوب)، کسب سرمایه فرهنگی (حضور در محافل علمی، هنری، ارتباط با افراد فرهیخته، افزایش دادن آگاهی‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی. دسترسی بیشتر به کالاهای فرهنگی: کتاب و کتابخانه و اینترنت)، دستیابی به بخت‌های زندگی (فراهم شدن موقعیت‌های بهتر برای ازدواج، افزایش قدرت تصمیم‌گیری فرد در زندگی، افزایش مشارکت اجتماعی و بهبود روابط اجتماعی، حضور در عرصه‌های مختلف اجتماعی، تربیت بهتر فرزندان) از جمله فوایدی است که دختران در رفتن به دانشگاه برای خود متصور هستند.

علاوه بر انتظار فایده، نفوذ اجتماع و انگیزه اجتماعی، می‌تواند باعث تصمیم‌گیری دختران برای ادامه تحصیل در مقاطع بالاتر شود. نتایج حاکی از آن است که تأیید دیگران مهم بر گرایش به ادامه تحصیل مؤثر است. همچنین تمایل به نمایش تظاهری مصرف کالاهای فرهنگی، از آنجاکه مورد اقبال دیگران قرار می‌گیرد، گرایش بیشتر به تحصیلات عالی را در پی خواهد داشت.

در نهایت الگوی رگرسیونی نشان داد متغیرهای (تأیید دیگران مهم، دستیابی به بخت‌های زندگی، کسب سرمایه فرهنگی، کسب استقلال اقتصادی) به ترتیب بیش‌ترین متغیرها در گرایش به تحصیلات عالی است. این نتایج برای دختران در همه موقعیت‌های خانوادگی و اجتماعی صدق می‌کند و از این منظر هیچ تفاوتی در بین گروه‌های پایگاهی اقتصادی و اجتماعی قابل مشاهده نیست و در واقع در بین دختران و زنان جوان عمومیت دارد.



منابع

بوردیو، پیر (۱۳۸۱). نظریه کنش: دلایل عملی و انتخاب عقلانی، ترجمه مرتضی مردیها، تهران: نقش ونگار.

بیکر، ترز (۱۳۷۷). نحوه انجام تحقیقات اجتماعی، ترجمه هوشنگ نایی، تهران: روش. پارسا پژوه، بتسابه (۱۳۷۹). بررسی عوامل مؤثر بر تمایل دانش‌آموزان سال آخر دبیرستان برای ورود به آموزش عالی در شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته برنامه‌ریزی آموزشی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران.

حقیقی کارنامه، حسن و اکبری، نعمت‌الله (بهار ۱۳۸۴). "بررسی مشارکت زنان در تقاضای اجتماعی برای آموزش عالی در ایران"، فصلنامه پژوهش زنان، دوره ۳، شماره ۱، ص ۱۰۰-۶۹.

دواس، دی‌ای (۱۳۸۶). پیمایش در تحقیقات اجتماعی، ترجمه هوشنگ نایی، تهران: نی. ریتزر، جورج (۱۳۸۴). نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: علمی.

قانع‌ی‌راد، محمد امین، خسرو خاور، فرهاد (۱۳۸۵). نگاهی به عوامل فرهنگی افزایش ورود دختران به دانشگاهها، فصلنامه پژوهش زنان، دوره ۴، شماره ۴، ص ۱۳۸-۱۱۵. کوزر، لوئیس (۱۳۸۳). زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: علمی.

کوزر، لوئیس و برنارد روزنبرگ (۱۳۸۵). نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناسی، ترجمه فرهنگ و ارشاد، تهران: نی.

لیتل، دانیل (۱۳۷۳). تبیین اجتماعی (درآمدی به فلسفه علم الاجتماع)، ترجمه عبدالکریم سروش، تهران: صراط.

ویلن، تورستین (۱۳۸۶). نظریه طبقه تن‌آسا، ترجمه دکتر فرهنگ ارشاد، تهران: نی. ودادهیر، ابوعلی (۱۳۸۰). تأملی بر پدیده مدرک‌گرایی در جامعه، نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران، ش ۳، ص ۱۹۲-۱۷۹.

مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی (۸۵-۸۶). (<http://www.irphe.ir>)

- Ajzen, I (1988). *Attitude, Personality and Behavior*, New York: 1th Published , open university press.
- Bottero, W (2005). *Stratification, social division and inequality*, London and New York, Routledge.
- Bourdieu, P (1986). *Distinction: a social critique of the judgment oftaste*, London, Routledge.
- Frenette, M & Klarka Zeman (2007). Why are most university students women? Evidence based on academic performance, study habits and parental influences” , *analytical studies branch research paper series: statistics Canada*, 303: 1-26.
- Surendra., Shorav & Shobha (2006). How higher education in rural India helps human rights and entrepreneurship, *journal of Asian Economics*, 17: 29-34.
- Tyrer, D, & Ahmad, F (2006) *Muslim Women and higher education: identities , experiences and Prospects*, European social fund, printed in united kingdom by oxuniprint, oxford. 1-37.
- Weber, M (1996). The distribution of power within the political community: class, status, party, in John Scott (ed) *Class*, Routledge.
- Whithe, G (1996). *Family Theories*, London, stage publications



نویسندگان

Maazadeh@yahoo.com

منصوره اعظم آزاده

دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی دانشگاه الزهراء(س).

somaieh.fallah@gmail.com

سمیه فلاح مهرآبادی

دانش آموخته رشته مطالعات زنان دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی دانشگاه الزهراء(س).

